




## A Comparative Study of the Infallibility of the Prophets in the Qur'an and the Testaments from the Shia Theological Point of View

- Saleh Hassanzadeh** \*  Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
- Ali Karbalaee Pazouki**  Associate Professor of Theology Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
- Marzieh Teymouri Shaban**  Ph.D. Student of Theoretical Principles of Islam, Faculty of Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract

One of the disputed issues between Shias, Jews, and Christians is the issue of the infallibility of divine prophets. Shia theologians believe in the infallibility of all divine prophets, although they disagree on its limits. On the other hand, Jews have attributed infallibility to Prophet Moses (PBUH) based on the Torah, and Christians have attributed it to Jesus (PBUH) based on the Bible. Therefore, in the present article, with the Shiite theological approach, the problem of the infallibility of the prophets in the Qur'an and the Testaments has been examined. The method of this research is descriptive-analytical, and finally, based on the narrative and rational evidence of Shia theologians, it was found that divine prophets have infallibility.


**Keywords:** Qur'an, Testaments, Infallibility, Prophets, Shia's Word.


\*Corresponding Author: hasanzadeh@atu.ac.ir


**How to Cite:** Hassanzadeh, S., Karbalaee Pazouki, A., Teymouri Shaban, M. (2023). A Comparative Study of the Infallibility of the Prophets in the Qur'an and the Testaments from the Shia Theological Point of View. *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Kalam*. 4 (7). 219-248. DOI: 10.22054/jcst.2024.77897.1150



## بررسی مقایسه‌ای عصمت انبیاء در قرآن و عهدین از دیدگاه کلامی شیعه

سالم حسن‌زاده \*  استاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

علی کربلائی پازوکی  دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مرضیه تیموری شبان  دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده

یکی از مسائل مورد اختلاف میان شیعیان با یهودیان و مسیحیان، مسئله عصمت پیامبران الهی است. متکلمان شیعه به عصمت تمام پیامبران الهی معتقد هستند، گرچه در محدوده آن اختلاف نظر دارند. در مقابل یهودیان، ویژگی عصمت را بر مبنای تورات، صرفاً به حضرت موسی (ع) و مسیحیان بر اساس انجیل، به حضرت عیسی (ع) نسبت داده‌اند؛ بنابراین در مقاله حاضر، با رویکرد کلامی شیعه، مسئله عصمت انبیاء در قرآن و عهدین مورد بررسی قرار گرفته است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و در نهایت بر اساس ادله نقلی و عقلی متکلمان شیعه، معلوم شد که پیامبران الهی از عصمت برخوردار هستند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عهدین، عصمت، انبیاء، کلام شیعه.

## مقدمه

بحث نبوت از جمله مباحث مهمی است که در قرآن و عهدین به آن پرداخته شده است، زیرا نبی به عنوان انسان کامل، نقش مهمی در هدایت مردم دارد. از نظر شیعیان، بر اساس آیات قرآن، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبران عصمت است، گرچه در محدوده آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. علامه طباطبایی در مورد عصمت می‌فرماید اگر نبی در تبلیغ رسالت خود مرتکب گناه شود؛ در این صورت نقیض و ضد دین را تبلیغ نموده است (المیزان، ۲۰۶، ۲). در واقع اگر پیامبران در مقام دریافت و ابلاغ وحی و عمل بر مبنای آن معصوم نباشند، نمی‌توانند مردم را به سوی سعادت اخروی راهنمایی کنند.

در مقابل آیات قرآن، در عهدین مطالبی نوشته شده‌اند که بر گناهکار بودن انبیاء الهی دلالت می‌کنند. واژه عهدین به دو عهد جدید و قدیم اشاره دارد که مسیحیان به آن قائل هستند. پیمان اول که همان کتاب دینی یهودیان است، چون قدیمی تر است، پیمان کهن یا عهد عتیق و پیمان دوم که انجیل‌های ۴ گانه است؛ چون متأخر است، پیمان نو یا عهد جدید نامیده می‌شود. بر مبنای عهدین در میان پیامبران الهی، فقط حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) معصوم بوده‌اند و سایر پیامبران مانند مردم عادی مرتکب خطا و گناه می‌شدند تا جایی که در بعضی موارد نسبت ناروا نیز به آنان داده شده است.

بر اساس اختلاف نظری که درباره عصمت وجود دارد، مسئله اصلی این پژوهش، بررسی ویژگی عصمت در قرآن و عهدین، بر مبنای رویکرد متکلمان شیعه است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و هدف از انجام آن ارائه تبیین درستی از عصمت پیامبران است.

## پیشینه پژوهش

مقالات و کتب متعددی در حوزه عصمت پیامبران الهی نوشته شده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. اکبری و منصوری در پژوهشی با عنوان دیدگاه ملاصدرا درباره عصمت انبیاء از گناه، عصمت انبیاء را شامل قبل و بعد از نبوت می‌دانند. در این پژوهش عصمت از دیدگاه

متکلمان شیعه به طور جامع بیان نشده است.

۲. فقیه و دیگران در مقاله بررسی آیات مربوط به شاهدان امت‌ها بر عصمت همه‌جانبه انبیاء؛ به مسئله عصمت بر اساس شهادت مطابق با واقع شاهدان پرداخته‌اند و تنها به یک دلیل برای اثبات عصمت اکتفا نموده است.

۳. سلطانی و موسوی در بررسی تطبیقی دیدگاه سلفیه درباره عصمت انبیاء با تکیه بر آیات قرآن؛ تعارض دیدگاه سلفیه با آیات قرآن را در زمینه عصمت انبیاء مطرح کرده‌اند و تنها از دیدگاه سلفیه به موضوع توجه نموده است.

۴. ملک‌ان و دیگران در پژوهشی با عنوان: بررسی عصمت انبیاء از منظر ابن تیمیه نتایج و آثار آن؛ معتقد هستند ابن تیمیه عصمت انبیاء را منحصر در دریافت، حفظ و ابلاغ وحی می‌داند و قائل به عصمت مطلق انبیا پیش از بعثت و بعد از آن نیست. در این پژوهش تنها به دیدگاه ابن تیمیه و از دیدگاه خاص به مطلب پرداخته است.

۵. زمانی و سازندگی در مقاله: بررسی عصمت حضرت نوح(ع) در دایره المعارف قرآن لیدن؛ شبهات مستشرقان را که به حضرت نوح وارد کرده‌اند با قرآن و روایت و عقل پاسخ داده است. در این پژوهش به طور خاص به عصمت یک پیامبر توجه شده است.

۶. رحیم اف در پژوهشی با عنوان: بررسی مسئله عصمت انبیاء از دیدگاه شیخ طوسی و فخر رازی؛ به منشأ، حقیقت، حدود و ادله عصمت از دیدگاه فخر رازی و شیخ ابوجعفر طوسی و نقاط مشترک و اختلاف آنان پرداخته است. وی تنها به دو دیدگاه درباره عصمت پرداخته است.

۷. ملاح در مقاله: نقد و شبهات پیرامون عصمت پیامبر اکرم(ص) در قرآن؛ به یازده آیه مربوط به پیامبر اسلام(ص) با عناوینی مانند غفران، مغفرت، ذنب و ... پرداخته که با نگاه ظاهربینانه به آن‌ها توجه شده است. بر اساس رویکرد سطحی به این آیات شبهاتی مطرح شده که نگارنده این پژوهش، به بررسی و نقد آن‌ها پرداخته است. ایشان به طور جامع به عصمت تمام انبیاء الهی نپرداخته است.

۸. اشرفی و رضایی در پژوهش با عنوان: عصمت انبیاء در قرآن و عهدین؛ به بررسی ماهیت عصمت و مفهوم آن، نقاط اشتراک و افتراق عصمت انبیاء در ادیان الهی

پرداخته‌اند. بر طبق این مقاله در قرآن برخلاف عهدین، به ترک اولی از سوی پیامبران الهی اشاره شده است. همچنین در عهدین، به‌غیر از حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع)، سایر پیامبران الهی مانند عموم مردم خطا کار هستند. پژوهش مذکور از جنبه کلامی شیعه به بررسی و تحلیل عصمت پرداخته است.

۹. غروی و اسلامی در مقاله: عصمت انبیاء و مراتب آن از نظر گاه تفسیری آیت‌الله معرفت؛ صرفاً دیدگاه آیت‌الله معرفت را درباره عصمت بیان کرده‌اند. در این پژوهش دیدگاه متکلمان شیعه مطرح نشده است.

۱۰. اترک در پژوهشی با عنوان: بررسی دلالت آیه لا ینال بر عصمت انبیاء؛ عصمت انبیاء را بر مبنای آیه مذکور اثبات کرده است.

۱۱. صانعی در پژوهشی با عنوان: آموزه معصومیت در کلیسای کاتولیک؛ عصمت را از اختیارات و تصمیمات پاپ دانسته است. وی به عصمت انبیاء الهی پرداخته است.

۱۲. پرچم در پژوهشی با عنوان رابطه عصمت پیامبران (از جنبه علمی) و اختیار در قرآن، به بررسی مسئله عصمت در قرآن پرداخته است. وی در مورد رویکرد عهدین به عصمت توضیحی نداده است.

بر اساس آنچه مطرح شد؛ در این آثار با نگاه متکلمین شیعه به بررسی مسئله عصمت در قرآن و عهدین پرداخته نشده است.

### مفهوم شناسی عصمت

عصمت در لغت به معنای نگهداری و جلوگیری است، و در اصطلاح حالتی نفسانی پایدار است که شخص را از پیروی هواهای نفسانی و ارتکاب گناه باز داشته و همچنین شخص در کارهای خود دچار خطا و اشتباه نمی‌گردد (کتاب العین، ۱، ۱۹۸). در معجم مقاییس اللغه آمده: عصمت در لغت به معنای منع و امساک است، و در اصطلاح به معنی بازداشتن و نگاه داشتن از گناه است (معجم مقیاییس فی اللغه احمدین فارس، ۳۳۲). به نظر می‌رسد در تعریف عصمت علامه عصمت را از نوع علم و آگاهی می‌داند که با داشتن این علم و آگاهی، صدور معصیت از انبیاء ممتنع می‌شود، و آنان علم قطعی به نتیجه انجام گناه

دارند و این علم باعث می‌شود تا از آنان گناهی سر نزنند مانند کسی که می‌داند اگر سم بخورد می‌میرد، این علم مانع از خوردن سم می‌شود (طباطبایی، ۱۷، ۴۴۰). عصمت یکی از اوصاف انبیاء الهی است و به معنای مصون بودن از گناه و اشتباه است، معصوم از آنجا که علم به عواقب سوء گناه دارد با اراده خویش معصیت نمی‌کند و تحت تأثیر هوای نفس و شیطان قرار نمی‌گیرد.

### عصمت در قرآن

در قرآن آیات فراوانی دلالت بر عصمت انبیاء الهی دارد برخلاف عهدین که در آن نسبت‌های ناروا به پیامبران الهی داده، قرآن در آیات متعدد با بیانات گوناگون ساحت انبیاء را از معصیت مبری دانسته و با عناوین مختلف عصمت را برای آنان بیان نموده است، در این بخش سعی شده تا به تعدادی از این آیات پرداخته شود؛ دسته‌ای از آیات با کلمه مخلص به فتح لام به آن اشاره شده است و اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مُوسَىٰ اِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا. در این کتاب از موسی یاد کن که او مخلص بود (مریم، ۵۱). همچنین سوره ص، آیه ۸۲-۸۳: قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ؛ شیطان گفت به عزت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد مگر بندگان خالص تو از میان آن‌ها. شیطان که از درگاه خداوند رانده شد قسم یاد کرد که همه بندگان را گمراه کند الا بندگان خالص خداوند را، در این آیات به مخلص بودن انبیاء اشاره دارد و آنان را بندگان مخلص خداوند معرفی می‌کند، طبق آیه ۸۳ سوره (ص) شیطان بندگان خالص خداوند را گمراه نمی‌کند، بنابراین انبیاء از گروه گمراهان نبوده و به گناه آلوده نگردیده‌اند و دارای مقام عصمت‌اند.

دسته‌ای از آیات با لفظ «اطاعت» به این مطلب اشاره دارد از جمله می‌توان به این آیات اشاره نمود: وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ اِلَّا لِيُطَاعَ بِاِذْنِ اللّٰهِ؛ ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به فرمان خدا از وی اطاعت شود (نساء، ۶۴)، ذیل آیه ۶۴، سوره نساء چنین برمی‌آید که اگر از رسول خدا معصیتی سر بزنند چه قول باشد یا فعل، چون قول و فعل رسول حجت است، به نوعی امر به معصیت نموده، بنابراین قول و فعل گناه، هم مبغوض و گناه است و هم محبوب خداوند است، هم خداوند به آن امر و هم نهی نموده و این در

حالی است که خداوند از تناقض در فعل و صفات مبری است (طباطبایی، ۲۰۶، ۲)؛ ذیل این آیه طبرسی، اطاعت از انبیاء را اطاعت از خداوند می‌داند و به همین دلیل، مردم باید از فرمان آنان پیروی کنند زیرا پیامبران پیام‌رسان فرمان خداوندند (طبرسی، ۶۱۸، ۱، ۱۳۸۵)؛ خداوند دستور به اطاعت از فرمان پیامبران داده چرا که عیناً فرمان خداوند را به مردم می‌رساند اگر آنان در پیام خداوند دخل و تصرف نمایند و آن را به گونه‌ای دیگر به مردم می‌رسانند خداوند این مأموریت را به آنان محول نمی‌کرد و امر به اطاعت آنان نمی‌نمود.

«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء، ۸۰). کسی که از پیامبر اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است. رسول به آنچه خداوند امر و نهی کرده امر و نهی می‌کند و اطاعت از رسول اطاعت از خداوند است (طبرسی ۶۳۰، ۱، ۱۳۸۵)، اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و (از مخالفت فرمان او) بترسید (مائدة، ۹۲). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و رسول او اطاعت کنید (نساء، ۵۹)؛ این دو آیه امر به اطاعت از خداوند و رسول خدا دارد اطاعت از پیامبر در ردیف اطاعت از خداوند متعال بیان شده است. طبرسی اطاعت از رسول را در صورتی که معصوم باشد و مصون از ارتکاب عمل زشت باشد تأیید می‌کند، نه از کسی که از فرمان خداوند سرپیچی کند و در این صورت او مانند ماست که نیازمند هدایت می‌باشد (طبرسی، ۶۱۵، ۱، ۱۳۸۵).

دسته‌ای دیگر از آیات با لفظ «هدایت» دلالت بر عصمت دارند، سوره انعام آیه ۸۷ پیامبران را برگزیده و هدایت یافته از جانب خداوند متعال معرفی می‌کند و در سوره زمر، ۳۷ می‌فرماید: کسی را که خداوند هدایت کند کسی نمی‌تواند او را گمراه کند؛ در این دو آیه به هدایت پیامبران اشاره نموده است. وقتی هدایت شده‌اند بدان معناست که گمراه نیستند طبق آیه ۶۲ سوره یس، هر معصیتی را ضلالت و گمراهی خوانده که ضلالت به واسطه شیطان صورت می‌گیرد و شیطان باعث گمراهی می‌شود، اثبات هدایت از جانب خداوند نفی ضلالت از کسانی است که خداوند آنان را هدایت کرده و اینکه معصیت همان ضلالت است دلالت می‌کند بر اینکه انبیاء الهی از معصیت منزّه می‌باشند (طباطبایی، ۲۰۳، ۲).

شیخ مفید در دلایل نقلی، آیاتی از قرآن کریم را می‌آورده و از آنها عصمت انبیاء

را نتیجه می‌گیرد، همانا ما آنان را به دلیل علم بر جهانیان برگزیدیم، و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: آنان در پیشگاه ما از برگزیدگان‌اند (مفید ۱۴۱۳ د، ۱۲۹). وی با اشاره به آیه ۳ سوره نجم: وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ مَا صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ، صدور هرگونه معصیت را نشانگر نادانی و صدور هر نوع نسیان را نشانه ضلالت می‌داند که این امر از ساحت انبیاء به دور است. عدم صدور گناه و معصیت از جانب انبیاء در احادیث نیز آمده، طبرسی از حضرت علی (ع) روایتی را آورده که آن حضرت برای گوینده داستان حضرت داوود و همسرش دو حد تعیین نمود که یکی از آن حدها برای اهانت به نبوت بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸، ۷۳۶). در روایتی از امام صادق (ع) آمده: معصوم کسی است که با استمداد از خداوند از جمیع گناهان خودداری کند (مجلسی، ج ۲۵، ص ۱۹۴). خداوند در آیات ۳۳ آل عمران، و آیه ۸۰ سوره نساء، و سوره احزاب آیه ۳۳، به عصمت انبیاء الهی اشاره دارد.

دسته‌ای از آیات با لفظ «امام» دلالت بر عصمت دارد از جمله این آیات می‌توان به سوره انبیاء سجده و بقره اشاره نمود: «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ. وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء، ۷۲). واسحاق و علاوه بر او یعقوب را به وی بخشیدیم و همه آنان را مردانی صالح قرار دادیم و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند. «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء، ۷۳). و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند. «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ. وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده، ۲۳) ما به موسی کتاب آسمانی دادیم و شک نداشته باش که او آیات الهی را دریافت داشت و ما آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند. «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴)؛ هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد خداوند به او فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم ابراهیم عرض کرد از ذریه من امامانی قرار بده خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد. در این ۴ آیه خداوند متعال انبیاء را امام نامیده است، امام کسی است که برای



هدایت انسان‌ها و به کمال رساندن آنان برگزیده شده لذا چنین فردی خود باید به کمال انسانیت رسیده باشد و از صفات زشت و ناپسند دوری نماید تا بتواند مأموریت خود را به طور تمام و کمال انجام دهد در غیر این صورت خلاف حکمت خداوند متعال است که انسانی گناهکار را برای هدایت مردم قرار دهد تا مرتکب گناه نشوند، از طرفی طبق آیه ۱۲۴ از سوره بقره: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» عهد خداوند متعال به ظالم و گناهکار نمی‌رسد ظلم مترادف گناه کردن است، از این آیه می‌توان دریافت که ظالم و گناهکار به مقام امامت نمی‌رسد و انبیاء که از جانب خداوند به مقام هدایت امت و امامت برگزیده شده‌اند ظالم و گناهکار نمی‌باشند؛ مقام عصمت مقامی است که با ظلم و ستم ناسازگار است و کسی که ظالم و ستمکار باشد نمی‌تواند هدایت جامعه را به عهده بگیرد و مردم نمی‌توانند از وی اطاعت کنند. بنابراین می‌توان دریافت که مقام امامت و هدایت جامعه از آن کسانی است که ظالم و ستمکار نباشند و از خطا و گناه مبری باشند و در این صورت می‌توانند انسان‌ها را به مقام بالای انسانیت رهنمون سازند، خداوند در آیات مختلف از آنان نام برده است، و آنان انبیاء الهی هستند که دارای مقام عصمت‌اند.

### عصمت در عهدین

نگاه به عصمت انبیاء الهی و پذیرش یا رد عصمت، در میان پیروان ادیان الهی از جمله مسلمانان، یهود و مسیحیت متفاوت است. در انجیل مصون بودن از گناه و عصمت شامل پیامبران الهی نشده بلکه ارتکاب گناه و حرام را به پیامبران الهی نسبت داده‌اند، و اعتقاد به عدم عصمت انبیاء الهی دارد، طبق آنچه در تورات آمده انبیاء الهی معصوم نیستند و در نسخه‌های موجود آن نه تنها از عصمت بحثی به میان نیامده بلکه آمده است که هر شخصی به جز حضرت موسی(ع) گناهکار است و این گونه بیان شده است: آدمی نیست که گناه نوزد (کتاب اول ملوک، باب ۸، فقره ۴۸). یهودیان معتقدند که این امر به خاطر برتری نبوت حضرت موسی(ع) بر سایر انبیاء الهی است.

مسیحیان حضرت مسیح(ع) را معصوم می‌دانند، آنان معتقدند که حضرت مسیح(ع) در ایام عمر خویش به هیچ وجه مرتکب گناهی نشد، او مانند پدرش در سرمدیت و علم و

قدوسیت یکی هستند (قاموس کتاب مقدس، ص ۸۰۷). انجیل به‌عنوان کتاب مقدس مسیحیان، عدم عصمت را به پیامبران الهی نسبت داده و مبدأ پیدایش گناه را به آدم و حوا نسبت می‌دهد (قاموس کتاب مقدس، ص ۷۵۳)، در جای دیگر آمده: خداوند به سلیمان غضبناک شد (کتاب اول ملوک، فصل ۱۱، فقره ۱۰)، بنابراین کتاب مسیحیان مانند تورات اعتقاد به عدم عصمت انبیاء الهی دارد؛ در تورات و انجیل به خطاپذیری انبیاء الهی و عدم عصمت آنان اشاره دارد، تورات به جز حضرت موسی (ع)، انبیاء دیگر را گناهکار می‌داند.

یکی از شرایط نبی، مقام عصمت است و نبوت بدون عصمت تناقض در رسالت نبی است، مسیحیان انبیاء را مصون از خطا نمی‌دانند درحالی که به گفته هنری تیسن به عصمت نویسندگان کتب مقدس در مقام نوشتن این کتاب‌ها اعتقاد دارند (هنری تیسن، ۲۰۷). آنان معتقدند که نویسندگان کتاب مقدس آنچه را که خداوند خواسته نوشته‌اند (توماس میشل، ۲۶، ۱۳۷۷). مسیحیان آنان را خطاناپذیر می‌دانند درحالی که تحریف کتاب مقدس به دست این نویسندگان انجام شده و نسبت‌های ناروا در کتاب مقدس با قلم آنان نوشته شده است، از دیدگاه مسلمانان طبق آیات ۷۵-۷۸ سوره آل عمران و آیات ۱۳-۱۵ سوره مائده، تورات و انجیل تحریف شده است و این تحریف به دست نویسندگان این کتاب صورت پذیرفته، به اعتقاد مسلمانان نه تنها این نویسندگان در مقام نوشتن معصوم نیستند بلکه آنچه در کتاب مقدس درباره خطا و عصیان انبیاء الهی به نگارش در آورده‌اند، با مقایسه آیات قرآنی که انبیاء را مصون از خطا می‌داند، مردود شمرده شده است.

مسیحیان تنها به عصمت حضرت مسیح اعتقاد دارند آنان حضرت عیسی (ع) را معصوم می‌دانند، زیرا از دیدگاه آنان حضرت عیسی خداست و در ایام عمر خود به هیچ وجه مرتکب گناهی خواه صغیر و خواه کبیره نشده حتی ترک اولائی از حضرت صادر نشد (یوشع، ۸، ۴۶). (حضرت عیسی) را جامع تمام فضایل و کمالات و محاسن می‌دانند و بر حسب فرموده خود ابن الله می‌دانند زیرا که تمام قوای طبیعی محکوم حکم او بودند چنان که هیجان امواج را ساکت نمود و درخت انجیر بی‌بار را خشک نمود و آب را به شراب مبدل ساخت و کوران را بینا و لنگان را راهوار و گناه کاران را آمرزش عطا فرمود و از برای ایشان شفاعت نموده است (قاموس کتاب مقدس، ص ۸۰۷). او و پدرش در

سرمدیت و قوت و علم و قدوسیت یکی هستند چنانکه یوحنا در ۱، ۱ می‌گوید در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود (هاکس، ۱۳۹۴، ۸۰۷). موسی بن میمون اندیشمند یهودی معتقد است که حضرت موسی (ع) تنها کسی است که به درجه کمال رسیده است (موسی بن میمون، ۳۱۳، ۳). یهودیان معتقدند پیامبران در گفتار خطا نمی‌کنند ولی در عمل اگر عصبانی و خشمگین شوند، مقام نبوت را از دست می‌دهند (گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۳۹). آنان پیامبران را در دریافت و ابلاغ وحی معصوم می‌دانند و در عمل به جز حضرت موسی (ع) تمام انبیاء را گناهکار می‌دانند.

هانس کونگ در خطاناپذیری پاپ از دیدگاه کلیسای کاتولیک می‌نویسد «اطاعت از خدا باید در اطاعت از کلیسا، و اطاعت از کلیسا در اطاعت از پاپ است» (هانس کونگ، ۱۴۰). در سال ۱۸۷ در شورای واتیکان پاپ را در بعضی احکامی که صادر می‌کند معصوم دانسته و آن احکام قطعی می‌باشند و کلیسا را نیز معصوم دانسته و مانند بدن حضرت عیسی می‌باشد که در آن خطا راه ندارد (توفیقی، ۲۲). دیلیو. جی. وارد اظهارات پاپ را مصون از خطا می‌داند و آن را تحت هدایت روح القدس می‌داند (تونی لین، ۴۷۹)؛ مسیحیان کاتولیک معتقدند پاپ و کلیسا خطاناپذیرند، وقتی پاپ در جایگاه و ریاست کلیسا قرار بگیرد از اشتباه و خطا مصون می‌باشد. تناقض میان این دیدگاه که پاپ را به‌عنوان نفر اول کلیسا خطاناپذیر می‌دانند و انبیاء که نفر اول جامعه بزرگ انسانی هستند را خطا کار می‌دانند تناقضی آشکار است. در کتاب مقدس نسبت ناروا به انبیاء الهی داده شده، در حالی که در آیات متعدد به عصمت انبیاء اشاره شده است، از مقایسه این دو مطلب به وضوح می‌توان دریافت که در کتاب مقدس تحریف صورت گرفته است، به اعتقاد مسلمانان انبیاء الهی دارای مقام عصمت‌اند و به دیدگاه آنان نسبت‌های ناروا به پیامبران الهی در کتاب مقدس مردود شمرده شده است؛ طبق صریح آیه قرآن در کتاب مقدس تحریف صورت گرفته و نویسندگان کتاب مقدس مصون از خطا نبوده‌اند.

### خطاهای منسوب به انبیاء در عهدین

کتاب مقدس به‌عنوان کتاب دینی یهود و مسیحیت، صریحاً به انبیاء الهی نسبت‌ها و

خطاهای ناروایی داده از جمله گناهانی که به نبی خدا نسبت داده شده و می‌توان به آن اشاره نمود ساختن گوساله به دست هارون است که در تورات در خروج ۳۲ آمده است؛ این در حالی است که در قرآن سامری را مسئول ساختن گوساله معرفی می‌کند و هارون را از این عمل زشت مبری می‌داند.

کتاب دوم سموئیل، باب یازدهم، به حضرت داوود، نسبت زنا می‌دهد. شیخ طوسی معتقد است این داستان خبر واحد است و استناد به خبر واحد صحیح نیست و آن را رد نموده است، همچنین ایشان روایتی از حضرت علی(ع) آورده‌اند که حضرت می‌فرماید: هر کس به حضرت داوود(ع) نسبت فحشاء بدهد باید حد زده شود ایشان انتساب داستان به حضرت داوود را نادرست می‌داند (طوسی، ۱۴۰۹، ۸، ۵۵۷-۵۵۸). همچنین ارتکاب چنین اعمال زشتی از برگزیده خداوند را محال می‌داند و به دلیل تعارض با جایگاه و عصمت آنان، این داستان نمی‌تواند صحیح باشد (طوسی، ۱۴۰۹، ۸، ۵۶۶). یکی از گناهانی که به نبی خدا نسب داده شده زنا است که علامه به نقل از کتاب مقدس آورده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷، ۳۹۵).

نسبت بت پرستی به حضرت سلیمان و اینکه جایگاهی برای بت پرستی و ذبح بت‌ها بنا نموده و از فرمان خداوند سرپیچی کرد و خداوند به حضرت سلیمان غضب نمود و مملکت را از آن حضرت گرفت (کتاب اول پادشاهان، ۱۱، ۵-۱۲). این در حالی است که قرآن در آیات متعدد به جایگاه و مقام والای انبیاء الهی اشاره دارد و آنان را از گناه مبری می‌داند؛ علاوه بر آیات، روایات متعددی نیز وجود دارد که مجازات انسان معصیت کار را آتش قرار داده و این نشان از نهی اسلام از انجام معصیت است، بنابراین به طریق اولی انجام گناه و معصیت از جانب نبی آنچنان که در عهدین آمده امری نادرست است. حضرت علی(ع) می‌فرماید معصیت کار جایش در آتش است (عبدالواحد آمدی، ۱۳۶۶، ۱، ۴۲). پس انجام معصیت به طریق اولی در حق انبیاء شایسته نیست.

امام صادق(ع) می‌فرماید: محبت خدا را جستجو کردم و آن را در دشمنی با معصیت کاران یافتم (طبرسی، بی تا، ۲، ۳۵۲). در نکوهش معصیت و دوری از معصیت حتی دستور به مهاجرت داده شده است، امام صادق(ع) می‌فرماید: چون در زمینی معصیت و

نافرمانی خدا شود و تو در آن سرزمین باشی از آن بیرون شو و به جایی دیگر برو (قمی، بی تا، ۲، ۲۰۲). اینکه بعضی افراد نسبت گناه به انبیاء الهی می‌دهند ناشی از شناخت ناقص آنان از انبیاء الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱، ۱۹۷)؛ وی صدور فعل گناه از انبیاء را ناممکن می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱، ۱۹۵).

در قاموس کتاب مقدس به حضرت سلیمان نسبت ساختن بتخانه می‌دهد؛ (هاکس، ۱۳۹۴، ۴۸۶). این مطالب کتاب مقدس در حالی است که تأکیدات و توصیه‌های بسیاری از جانب دین اسلام آمده مبنی بر ترک معصیت از جانب مردم، با توجه به این مطلب می‌توان دریافت که انبیاء که به ارشاد جامعه می‌پردازند خود از گناه و معصیت به طریق اولی مبری می‌باشند؛ معصیت خداوند از زمان خلقت آدم و حوا مورد نهی الهی بوده است پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: ای بندگان خدا (از انجام) معصیت خدا آرام باشید که کیفر خدا شدید و سخت است (مدینه البلاغه، ۱۴۰۵، ۲، ۵۶۲). دستورات دینی همواره در جهت رشد و تعالی و سعادت و هدایت انسان‌هاست و انبیاء الهی این دستورات را به مردم ابلاغ می‌کنند، بنابراین چگونه ممکن است آنان که خود امر به پیروی از دستورات الهی می‌کنند، دست به گناه و معصیت بزنند و حال آنکه از عواقب آن مطلع‌اند.

حدیثی در مذمت معصیت از امام صادق (ع) است که می‌فرماید: اگر برای عقوبت و کیفر گناهکاران از سوی خداوند آتش مقدر است پس چرا باید معصیت کرد؟ (مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۰، ۳۴۷). عهد عتیق بعد از آن همه ثنا که برای سلیمان کرده، در آخر به وی اسائه ادب کرده و در تورات، اصحاب یازدهم و دوازدهم از کتاب سموئیل دوم آمده که وی در آخر عمرش منحرف شد و از خداپرستی دست برداشته به بت‌پرستی گرایید و برای بت‌ها سجده کرد، بت‌هایی که بعضی از زناش داشتند و آن‌ها را می‌پرستیدند (طباطبایی، بی تا، ۱۵، ۵۲۵).

در مورد یکی از جنگ‌های حضرت داوود (ع) اشاره می‌کند که آن حضرت مردم را به‌طور فجیع به قتل رساند (دوم سموئیل ۱۲: ۲۹-۳۱). از نظر کتاب مقدس، این آدمکشی‌های وحشتناک صحیح و مورد رضای خداوند بوده است، زیرا حضرت داوود (ع) آن قدر برای مسیحیان اهمیت دارد که حضرت عیسی (ع) به کارهای او استناد کرده است

(متی ۱۲:۱-۸). همچنین سال‌ها پس از درگذشت حضرت داوود(ع) خدا از وی به نیکی یاد می‌کند و درباره او می‌گوید: او امر مرا نگاه داشته، با تمامی دل خود مرا پیروی می‌نمود و آنچه در نظر من راست است، معمول می‌داشت و بس (اول پادشاهان. ۸، ۱۴). عهد جدید این جنگ‌ها را تأکید کرده و عاملان آن را ستوده است (عبرانیان: ۱۱، ۳۲-۳۴). بنی اسرائیل در جنگ همه مردان را کشتند و زنان و کودکان آنان را اسیر کرده، نزد حضرت موسی(ع) آوردند، ولی او با مشاهده آن اسیران خشمگین شد و دستور داد زنان و پسران را بکشند و دختران ایشان را برای خود نگه دارند (اعداد: ۳۱، ۷-۱۹). طبق آیات ۷۵-۷۸ سوره آل عمران و آیات ۱۳-۱۵ سوره مائده، در کتاب مقدس تحریف صورت گرفته؛ از طرفی سوره ص، آیه ۸۲-۸۳ و سوره نساء آیه ۶۴ و آیات متعددی که در بالا به آن اشاره شد، دلالت بر عصمت انبیاء الهی دارد و این خود دلیلی است بر این مدعا که آنچه در کتاب مقدس مبنی بر عصیان و گناه انبیاء الهی آمده مورد تأیید قرآن نمی‌باشد، بلکه آنان به‌عنوان پیشوایان جامعه بشری از هر اتهامی که در این کتاب آمده مبری هستند.

### دلایل عقلی عصمت انبیاء

مسئله عصمت پیامبران از جمله مباحث مهمی است که در میان متکلمین شیعه مورد توجه قرار گرفته است لذا، دلایل عقلی فراوانی بر آن اقامه نموده‌اند، در این بخش سعی شده ابتدا به عصمت انبیاء الهی از دیدگاه متکلمین شیعه و سپس به دلایل عقلی عصمت انبیاء الهی از دیدگاه آنان پرداخته شود.

متکلمین معتقدند که انبیاء الهی در ادعای نبوت، دریافت، حفظ و تبلیغ وحی معصوم‌اند و صدور هیچ‌گونه معصیتی را برای آنان چه سهواً و چه عمداً جایز نیست؛ آنان معتقدند انبیای الهی از هرگونه گناه کبیره و صغیره، خطا و نسیان در تشخیص مصالح و مفاسد امور، موضوعات احکام دینی، عبادات و نیز در امور عادی معصوم می‌باشند. علامه عصمت را وجود نیرویی در معصوم می‌داند که او را از ارتکاب عملی که جایز نیست نگه می‌دارد، این نیرو باعث عصمت معصوم در تلقی و گرفتن وحی، تبلیغ و انجام رسالت و حفظ وی از گناه می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲، ۱۳۴). طبرسی عصمت انبیاء را دربردارنده

همه شئون حیات و شخصیت آنان دانسته و معتقد است رفتار رسولان از هر گناه و در هر دوره‌ای مبرا است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹، ۱۶۸).

شیخ مفید و علامه حلی عصمت را از جانب خداوند لطفی می‌دانند به مکلف که انجام معصیت و ترک طاعت را از مکلف ممتنع می‌نماید با اینکه قدرت بر معصیت را دارد (مفید، ۱۴۱۴، ۳۷، حلی، ۱۳۶۸، ۳۷). سید مرتضی عصمت را لطفی از جانب خداوند می‌داند که به بنده اش موهبت نموده و بنده با اختیار از انجام فعل قبیح امتناع می‌کند (علم الهدی، ۱۴۲۲، ۱۸۸). عصمت داشتن نیروی است در انسان معصوم که او را از انجام عملی که جایز نیست، چه خطا و چه گناه حفظ می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۲، ۲، ۱۳۴).

ملاصدرا عصمت را موهبتی الهی می‌داند که خداوند به بندگان مخلص خود می‌دهد و به واسطه آن، قوه وهم را، که پاسخ‌دهنده به ندای شیطان است و هیچ‌گاه عقل انسان نمی‌تواند بر آن غالب گردد، تحت تأثیر قوه عقل قرار می‌دهد (صدرالمتالهین، ۱۳۸۱، ۲۳). وی در اینکه عصمت موهبتی الهی است، معتقد است که «مرتبه اول معرفت به خیر و شر است؛ مرتبه دوم مرتبه‌ای است که در آن، خداوند بنده را در احوال پی‌درپی مدد می‌رساند و این مرتبه میوه مجاهدت محسوب می‌شود و مرتبه سوم، نوری است که بعد از کمال مجاهدت در عالم ولایت می‌تابد و شخص را به مقامی هدایت می‌کند که عقل از هدایت به آن عاجز است و آن همان هدایت مطلق است» (صدرالمتالهین، ۱۳۶۶، ۱، ۱۳۱).

ابن میثم بحرانی عصمت را صفتی می‌داند که انسان از انجام معصیت ممتنع می‌شود و بدون این صفت، انجام معصیت از وی ممتنع نمی‌گردد (بحرانی، ۱۴۰۶، ۱۲۵). سبزواری در عصمت انبیاء، معتقد است که به سبب خاصیتی که در نفس قدسیه شخص است صدور گناه از او ممتنع می‌باشد (سبزواری، ۱۳۸۳، ۴۷۶).

متکلمین بر این باور هستند که انبیای الهی از هرگونه گناه کبیره و صغیره، خطا و نسیان در تشخیص مصالح و مفاسد امور، موضوعات احکام دینی، عبادات و نیز در امور عادی معصوم می‌باشند. طبرسی عصمت انبیاء را دربردارنده همه شئون حیات و شخصیت آنان دانسته و معتقد است رفتار رسولان از هر گناه و در هر دوره‌ای مبرا است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹، ۱۶۸). یکی از مهم‌ترین ویژگی انبیاء مصون ماندن از گناهان کبیره و صغیره و

عمدی و سهوی می‌باشد (مفید، ۱۳۱۴، ۱۸) متکلمین شیعه معتقدند که عصمت مطلق یعنی اینکه نبی از هر نوع گناه (کبیره و صغیره) عمداً یا سهواً از هنگام تولد تا رحلت معصوم می‌باشد (سیدمرتضی، ۱۴۰۹، ۱۵، صدوق، ۱۳۷۱، ۱۷، مفید، ۱۲۹، بحرانی، ۱۴۰۶، ۱۲۵، سیوری، ۱۳۹۶، ۱۷۱، ایجی، بی‌تا، ۳۵۹، حلی، ۱۳۷۴، ۴۲۵). عصمت از جمله موضوعاتی است که متفکران بزرگ شیعه به آن پرداخته‌اند و برای اثبات آن ادله عقلی و نقلی مطرح نموده‌اند (طوسی، ۱۳۸۳، ۱، ۲۰۱، سیوری حلی، ۱۴۰۵، ۳۳۳). علامه طباطبایی عصمت را، وجود نیرویی در معصوم امی داند که او را از ارتکاب عملی که جایز نیست نگه می‌دارد، این نیرو باعث عصمت معصوم در تلقی و گرفتن وحی، تبلیغ و انجام رسالت و حفظ وی از گناه می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲، ۱۳۴).

در طول تاریخ معصیت خداوند همواره مورد نهی انبیاء الهی و معصومین علیهم‌السلام قرار گرفته است و انسان‌ها را از این عمل به شدت نهی نموده‌اند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: وای بر کسی که به زبان ذکر خدا بسیار کند و در عمل نافرمانی خدا می‌نماید (هندی، ۱۶، ۱۶). با توجه به اهمیت این موضوع می‌توان دریافت که تأکید اسلام در ترک معصیت برای عوام مردم و نهی آنان از معصیت و دوری از گناه برای رسیدن به کمال و سعادت است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد انبیاء الهی که امامت جامعه را به عهده دارند و الگوی جامعه هستند به طریق اولی مصون از معصیت و نافرمانی خداوند هستند.

خداوند متعال علم به این دارد که اگر به انبیاء لطف کند از آن کمال بهره را برده و با اختیار خود، کار قبیح را انجام نمی‌دهند، لذا عصمت را به آنان عنایت می‌کند (علم الهدی، ۱۴۲۲، ۱۸۹). پیامبران دارای ملکه عصمت بوده و به خوبی از نتیجه انجام معاصی باخبر هستند لذا، حتی با داشتن اختیار، به سمت گناه و معصیت نمی‌روند. خداوند متعال با علم خود می‌داند که در درون انسان‌ها چه چیزی وجود دارد، به آینده و راهی که انتخاب می‌کنند، آگاه است و می‌داند که آنان با آزادی و اختیار خود از معصیت دوری می‌کنند و اطاعت خداوند را به جا می‌آورند لذا مقام عصمت را به آنان عنایت می‌کند (سبحانی، ۱۴۱۲، ۳، ۱۷۶). در روایتی از امام صادق(ع) در عصمت پیامبران به این مطلب اشاره دارد که خداوند در هنگام آفرینش پیامبران علم داشت که آنان از او فرمانبرداری می‌کنند و تنها



او را عبادت می‌کنند و شرک نمی‌ورزند و لذا به این مقام و منزلت دست پیدا کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۰، ۱۷۰). خداوند در سوره مائده، آیه ۶۷ می‌فرماید: ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان، و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. این آیه بر اختیار و توانایی پیامبر بر معصیت دلالت دارد چرا که اگر پیامبر قدرت بر گناه نداشت خداوند نمی‌فرمود اگر چنین کاری را انجام ندهی رسالت خود را ابلاغ نکردی، پس پیامبر اختیار دارد که دستور خداوند را ابلاغ نکند. طوسی معتقد است که منظور از عصمت این است که بنده بتواند معاصی را انجام بدهد اما آن را اراده نکند (طوسی، ۱۴۰۵، ۴۵۲).

یکی از شرایط نبی برای انجام رسالت عصمت است. اگر نبی دارای مقام عصمت نباشد، نقض غرض شده و دین الهی به درستی به مردم ابلاغ نمی‌گردد. از طرفی مأموریت انبیاء الهی زمانی به درستی انجام می‌پذیرد که با جلب اعتماد مخاطبان همراه باشد و این بدون عصمت ممکن نیست.

متکلمین شیعه یکی از دلایل عقلی که برای عصمت انبیاء آورده‌اند قاعده لطف است، آنان معتقدند لطف برای تحقق یافتن غرض و هدف خداوند در آفرینش امری ضروری می‌باشد. تحقق غرض خداوند متوقف بر لطف می‌باشد، لذا بنا بر حکمت خداوند لطف بر خداوند متعال واجب است (مفید، ۱۳۱۳ ب، ۳۵). هر فعلی که انجام آن از جانب خداوند در هدایت و خیر و صلاح بشر مؤثر و با اختیار انسان‌ها و تکلیف منافات نداشته باشد، به اقتضای حکمت الهی، تحقق آن واجب است و خداوند آن را ترک نخواهد کرد (حلی ۱۴۱۷، ۴۴۴). از مطالب مطرح شده می‌توان دریافت که عصمت انبیاء از روشن‌ترین مصادیق لطف الهی است، زیرا غرض خداوند متعال که هدایت انسان‌ها بوده، سرعت بخشیده و زمینه سعادت را آماده می‌کند. به نظر می‌رسد علامه حلی لطف را بر خداوند واجب می‌داند و دلیل وجوب لطف را این می‌داند که به وسیله آن غرض مکلف حاصل می‌گردد و اگر لطف وجود نداشته باشد نقض غرض پیش می‌آید (حلی ۱۴۱۷، ۴۴۴). عصمت یعنی بنده بتواند معصیت انجام دهد ولی آن را اراده نکند این عدم اراده و امری که وی را از گناه باز می‌دارد لطفی از جانب خداوند در حق بنده‌اش می‌باشد (طوسی،

۱۴۰۵، ۴۵۲)؛ بنابراین عصمت لطفی است از جانب خداوند و لطف واجب است، در نتیجه عصمت واجب است، تحقق غرض آفرینش انسان، رسیدن به کمال انسانی است که این مهم مبتنی بر لطف است اگر لطف ترک شود این ترک غرض است و ترک غرض بر خداوند حکیم قبیح است. شیخ مفید در و وجوب لطف معتقد است تحقق غرض خداوند متوقف بر آن می‌باشد لذا بنابر حکمت خداوند لطف بر خداوند متعال واجب است (مفید، ۱۳۱۳ ب، ۳۵). وی معتقد است که وجوب لطف، بخشش و کرم الهی است (مفید ۱۴۱۳ الف، ۱۶). به نظر وی، ذات الهی تمام است، کرم و بخشش او مقتضای ذات اوست، اگر لطف از او صادر نشود قبیح است. بر اساس قاعده لطف انجام هر چیزی که باعث نزدیکی به خداوند می‌شود بر خداوند متعال واجب است پس بر خداوند متعال واجب است که انبیاء معصوم از خطا باشند (استرآبادی، ۱۳۸۲، ۳، ۲۰).

شیخ مفید مانند سایر متکلمین اسلامی در اثبات عصمت انبیاء از دلایل نقلی و عقلی استمداد جسته، از مهم‌ترین و مشهورترین دلایل عقلی او می‌توان به حصول در اعتماد و اطمینان به تعالیم انبیا اشاره کرد (مفید ۱۴۱۳ ب، ۴۰). شبر معتقد است مهم‌ترین دلیل عقلی برای عصمت انبیا، این است که مردم به نبی اعتماد داشته باشند تا هدف نبوت محقق گردد و این امر را ضروری می‌دانند (شبر، ۱۴۲۴، ص ۱۳۶).

از دیگر ادله عقلی عصمت، نقض غرض ارشاد مردم و اهداف پیامبران در صورت معصوم نبودن انبیاء است. طبق آیه ۵۹ سوره نساء خداوند دستور به اطاعت از نبی داده است، حال اگر نبی معصیت کند، نباید از او پیروی کرد و این نقض غرض است (طوسی، ۱۴۰۷، ۲۱۳). اگر انبیاء معصیت کار باشند مردم ارشاد نمی‌شوند چرا که تصدیق معصیت کار، رسالت را نقض نموده و این خلاف حکمت خداوند متعال است (خرازی ۱۴۱۷، ۱، ۲۵۱). انبیاء الهی مردم را از گناه نهی می‌کنند اگر خود مرتکب فعل حرام شوند مردم راه درست از نادرست را تشخیص نمی‌دهند و دچار اشتباه می‌شوند و این با حکمت الهی و غرض بعثت انبیاء در تضاد است. انبیاء الهی علاوه بر تعلیم دستورات الهی تربیت مردم و به کمال رساندن فضایل اخلاقی را به عهده دارند، لذا باید از هر گناه و معصیت به دور باشند تا اعتماد مردم را جلب نموده و مأموریت خود را به درستی به انجام برسانند

در غیر این صورت از اعتماد مردم می‌کاهد و مردم را به گناه و معصیت ترغیب نموده که این با حکمت الهی در تضاد است.

از دلایل عقلی در اثبات عصمت انبیاء لزوم تبعیت از دستورات انبیای الهی است، طبق آیات قرآن مائده ۹۲ و آل عمران ۳۱ اطاعت از نبی واجب است حال اگر نبی دچار خطا و معصیت شود تبعیت از آنان لازم نیست و این اجتماع نقیضین می‌باشد (مظفر، ۱۴۲۳، ۴، ۱۸۲). ملاصدرا معتقد است اگر انبیا معصوم نباشند، تبعیت از ایشان حرام است، ولی بنا بر آیه ۳۱ سوره آل عمران، تبعیت از انبیا واجب است (صدر المتالهین، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۱۵). اگر نبی دچار خطا شود انکار او واجب است و این باعث می‌شود قلوب مردم از وی برگردد و از او اطاعت نکنند و فایده بعثت نبی منتفی می‌شود (حلی، ۱۴۲۶، ۱۸۷). به اعتقاد طبرسی انبیاء معصومند و اهل معصیت و شرک و طاعت شیطان نیستند و اطاعت مردم از او امر و نواهی انبیاء را زمانی مؤثر می‌داند که آنان از گناه و معصیت پاک باشند در غیر این صورت مردم از دور آنان پراکنده می‌شوند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴، ۷۸۳). در صورتی که پیامبر دچار گناه و معصیت گردد به طور طبیعی مردم از دور او پراکنده می‌شوند به اعتقاد طبرسی اطاعت مردم از او امر و نواهی انبیاء زمانی صورت می‌گیرد که پیامبر از معصیت مبرا باشد اگر از جانب پیامبر معصیتی صادر شود مردم از آنان اطاعت پذیری نخواهند داشت آنان از کسی پذیرش دارند که دچار خطا و اشتباه و معصیت نشود (طبرسی، بی تا، ۱، ۱۳۴). اگر انبیا معصوم نباشند، بنابر آیات ۲۳ سوره جن، ۱۸ سوره هود، ۲ سوره صف و ۴۴ سوره بقره، مستحق عذاب، لعن، طعن و ذم هستند در حالی که انبیا از تمام این امور، مبرا هستند، این امور باعث تنفر شده و این امر باعث پراکنده شدن مردم از اطراف انبیا می‌شود (صدر المتالهین، ۱۳۶۶، ۳، ۱۱۵). طبرسی در داستان حضرت داوود و همسرش بیان می‌کند که اینگونه داستان‌ها با مقام انبیاء مغایر است و باعث تنفر مردم و پراکنده شدن آنان از دور پیامبر می‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸، ۷۳۶). بنابراین می‌توان دریافت که، اگر انبیا گناهکار باشند این امر باعث می‌شود مردم به گفتار انبیاء اعتماد نداشته و دچار تردید در اوامر و نواهی آنان شده و به ترک گناهان مراقبت نداشته و در انجام گناه اسرار ورزند. و جوب نهی از منکر از دیگر دلایل عقلی است که شیخ مفید آورده و معتقد است

که اگر پیامبر معصوم نباشد یا انکار آن‌ها لازم است که این باعث سقوط آنان از مقامشان می‌شود و در نتیجه نقض غرض پیش می‌آید یا انکار آنان لازم نیست که این نیز به معنای نفی وجوب امر به معروف و نهی از منکر است (مفید، ۱۴۱۳، ب، ۴۰). خداوند متعال دستور به اطاعت رسول در سوره نساء آیه ۵۹ داده است حال اگر پیامبر و نبی نهی از منکر شود این با دستور خداوند در تضاد است (طوسی، ۱۴۰۷، ۲۱۳). در سوره بقره، آیه ۱۲۴، آمده انبیاء رهبر و امام می‌باشند و مردم به آنان اقتدا می‌کنند، بنابراین اگر از آنان گناه سر بزند و مردم از آنان تبعیت کنند باهدف رسالت انبیاء در تناقض می‌باشد (صدرالمتالهین، ۳، ۱۱۵). ملاصدرا انبیاء از هر گناهی که باهدف رسالت در تنافی باشد معصوم می‌داند و اجماع بر این مطلب را به‌عنوان دلیل آورده است (صدرالمتالهین، ۳، ۱۳۶۶). مبری بودن انبیاء از ذم و عقاب از دلایل عقلی است که سید مرتضی به آن استدلال نموده و معتقد است انجام دهنده گناه مستحق ذم و عقاب است، انبیاء مبرا از ذم و عقاب هستند بنابراین معصوم از هر گناهی هستند (سید مرتضی، ۱۴۰۹، ۱۵). به اعتقاد علامه حلی اگر پیامبر گناه کند، نهی از آن واجب است چراکه وجوب نهی از منکر عمومیت داشته و این امر باعث آزار و اذیت پیامبر می‌گردد، در صورتی که اذیت پیامبر مورد نهی قرار گرفته است و تمام این امور محال است (حلی، ۱۳۸۲، ۱۵۶). اگر انبیا معصوم نباشند، به دلیل اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر، منع و زجر ایشان واجب است در صورتی که زجر و آزار انبیاء بنابر آیه ۵۷ سوره احزاب، حرام می‌باشد (صدرالمتالهین، ۳، ۱۳۶۶، ۱۱۵).

از دیگر دلایل عقلی بر اثبات عصمت انبیاء برهان تسلسل است شیخ مفید مانند سایر متکلمان اسلامی در اثبات عصمت انبیاء از برهان تسلسل استمداد جسته که از مهم‌ترین و مشهورترین دلایل عقلی اوست (مفید، ۱۴۱۳، ب، ۴۰). وی در برهان تسلسل بیان می‌دارد که، اگر پیامبر و امام معصوم نباشند، به پیامبر و امام دیگری نیاز است تا هدایت و ارشاد دیگران را بر عهده بگیرد و مانع خطای آنان گردد، چون وجود نامتناهی انبیاء و ائمه محال است، پس برای دفع تسلسل واجب است که پیامبر و امام معصوم باشند (مفید، ۱۴۱۳، ب، ۴۰). اگر امام دارای مقام عصمت نباشد باید برای او امام دیگر باشد و این به باطل می‌رسد یا به امامی که معصوم باشد و امام اصلی باشد (طوسی، ۱۴۰۷، ۲۱۳).

هدف از تکلیف الهی، از دیگر دلایل عقلی است که علامه حلی بیان می‌دارد، هدف از تکلیف الهی از نظر متکلمان امامیه رسیدن مکلف به ثواب و قرب الهی است (حلی ۱۳۷۱، ۴۷۰). این هدف با بعثت و عصمت انبیای الهی محقق می‌گردد. انبیاء در زمره ظالمان نیستند و معصومند چرا که اگر معصوم نباشند در زمره ظالمان اند و طبق آیه ۱۲۴ سوره بقره، وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ عهد نبوت و امامت به ظالمان نخواهد رسید (صدر المتالهین، ۱۳۶۶، ۳، ۱۱۵).

یکی از دلایل عقلی ایشان در اثبات عصمت انبیاء این است که اگر انبیا معصوم نباشند، بنا بر آیه ۶ سوره حجرات، شهادت ایشان در امور دنیوی مردود است، پس به طریق اولی، شهادت ایشان در امور دینی مردود می‌باشد (صدر المتالهین، ۱۳۶۶، ۳، ۱۱۵). به نظر وی، با توجه به سوره ص، آیه ۸۲، اگر انبیاء معصوم نباشند از مخلصان نیستند و از فریب خوردگان توسط شیطان‌اند در حالی که طبق آیات ۴۶ سوره ص و ۲۴ سوره یوسف، تالی باطل، در نتیجه انبیاء معصوم‌اند (صدر المتالهین، ۱۳۶۶، ۳، ۱۱۵). و همچنین اگر انبیا معصوم نباشند، جزء حزب شیطان‌اند چرا که حزب شیطان گناه را که مورد رضای شیطان انجام می‌دهند اما تالی باطل است و انبیاء معصوم‌اند (صدر المتالهین، ۱۳۶۶، ۳، ۱۱۵). به اعتقاد وی اگر انبیاء معصوم نباشند، جزء مسارعین فی الخیرات و المصطفین الاخیار نیستند چرا که در گناه خیری نیست و تالی طبق سوره حج آیه ۷۵ و آل عمران ۳۳ و آیه ۴۷ و بقره ۱۳۰ و اعراف آیه ۱۴۴، باطل است و انبیاء مسارعین فی الخیرات و المطفین الاخیار معرفی شده‌اند (صدر المتالهین، ۱۳۶۶، ۳، ۱۱۵).

از دیگر دلایلی که ایشان در عصمت انبیاء بیان می‌کنند این مطلب است که طبق آیه ۶ از سوره تحریم، ملائکه از گناه معصوم‌اند، از آنجا که انبیاء از ملائکه برترند ثابت می‌شود که انبیاء دارای مقام عصمت‌اند (همان)، بنابراین طبق ادله عقلی متکلمین شیعه مقام عصمت شامل فرد خاصی از انبیاء الهی نیست بلکه، انبیاء الهی که از جانب خداوند برگزیده شده‌اند دارای مقام عصمت می‌باشند؛ اگر قائل به عصمت برخی از انبیاء باشیم، نقض غرض خداوند در ارسال انبیاء الهی است چرا که آنان برای هدایت بندگان فرستاده

شده‌اند درحالی که خود گناهکارند و مردم را به خلاف آنچه خود انجام می‌دهند فرا می‌خوانند.

### نتیجه‌گیری

خداوند متعال انبیاء را فرستاد تا مردم را به بالاترین درجه از انسانیت راهنمایی کنند. آنان باید دارای کمالات انسانی و اوصافی برجسته نسبت به سایر افراد باشند تا به‌عنوان الگو و نمونه کامل انسانیت، قرار بگیرند و بتوانند مأموریت الهی خویش را تمام و کمال انجام دهند. از نظر مسلمانان، یکی از اوصاف انبیاء، عصمت است. قرآن موضوع عصمت انبیاء الهی را در آیات متعددی بیان کرده است، درحالی که در تورات و انجیل، انبیاء الهی از خطا و گناه مصون نیستند. عهدین دو نفر از انبیاء، حضرت موسی و حضرت عیسی (علیهم‌السلام) را دارای مقام عصمت معرفی می‌کنند و اوصاف ناروایی به دیگر انبیاء نسبت می‌دهند که این امر خلاف غرض و هدف خداوند حکیم است. در این پژوهش بر اساس آیات صریح قرآن مانند آیات ۶۴، ۸۰ و ۵۹ سوره نساء و با استناد به بعضی روایات معلوم شد که تمام انبیاء الهی دارای مقام عصمت هستند. همچنین بر طبق براهین عقلی متکلمین نیز مانند قاعده لطف، اعتماد مردم، وجوب نهی، تسلسل و... می‌توان به عصمت تمام پیامبران الهی پی برد.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

### ORCID

Saleh Hassanzadeh  
Ali Karbalaee Pazouki  
Marzieh Teymouri



<https://orcid.org/0000-0003-3874-469X>



<https://orcid.org/0009-0004-2553-0670>



<https://orcid.org/0009-0004-2553-0670>

## منابع

### قرآن

آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی. (۱۴۱۰ ق). *غررالحکم و دررالحکم*، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم

ایجی، عبدالرحمان. (بی‌تا). *المواقف*، بیروت، عالم الکتب.

استرآبادی، محمدجعفر. (۱۳۸۲). *البراهین القاطعه فی شرح تجرید العقائد الساطعه*، تحقیق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن میمون، موسی. (۱۳۷۲). *دلالة الحائرین*، ترجمه دکتر حسین آتای، مصر، قاهره، نشر مکتبه الثقافه الدینیة.

احمدبن فارس بن زکریا. (بی‌تا). *معجم مقاییس اللغة*، دارلکتب العلمیه، قم.

آبراهام کهن. (۱۳۸۲). *گنجینه‌ای از تلمود*، مترجم فریدون گرگانی، انتشارات اساطیر، تهران.

بحرانی، ابن میثم. (۱۴۰۶ ق). *قواعد المرام فی علم الکلام*، قم.

توفیقی، حسین. (۱۳۷۷). *وحی در مسیحیت و اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

تونی لین. (۲۰۱۰). *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، انتشارات ایلام.

توماس میشل. (۱۳۷۷). *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان

### و مذاهب

حرانی، ابن شعبه. (بی‌تا). *تحف العقول*، انتشارات علمیه الاسلامیه، تهران.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ ق). *کشف الفوائد فی شرح قواعد العقائد*، بیروت.

----- (۱۴۱۷ ق). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تحقیق و تعلیق حسن

زاده آملی، قم، موسسه انتشارات اسلامی.

----- (۱۳۸۲). *رساله سعیدی*، ترجمه سلطان حسین استرآبادی، تصحیح و تحقیق

علی اوحی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

----- (۱۳۷۴ ق). *مناهج الیقین فی اصول الدین*، به کوشش محمد رضا انصاری،

### قم.

----- (۱۳۶۸). *الباب الحادی العشر*، تحقیق مهدی محقق، مشهد، آستان قدس

### رضوی.

----- (۱۳۶۳). *انوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، چاپ دوم، تحقیق محمد

نجمی زنجانی، قم.

خرازی، سید محسن. (۱۴۱۷ ق). *بدایه المعارف الالهیه فی شرح عقائد الامامیه*، چ چهارم، قم، موسسه النشر الاسلامی.

الخلیل بن احمد الفراهیدی. (۱۴۰۵). *العین*، موسسه دارالهجره.

زنجانی، موسی. (۱۴۰۵ ق). *مدینه البلاغه*، منشورات الکعبه، تهران.

سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۰۹ ق). *تنزیه الانبیاء*، بیروت.

سبزواری، ملاهادی. (۱۳۸۳). *اسرا الحکم*، قم، مطبوعات دینی، چاپ اول.

سبحانی، جعفر. (۱۴۱۲). *الالهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل*، ج ۳، به قلم حسن محمد مکی عاملی، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

سیوری، مقداد. (۱۳۹۶ ق). *اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه*، تبریز.

سیوری حلی، جمال الدین مقداد بن عبدالله الاسدی. (۱۴۰۵). *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین*،

تحقیق سیدی مهدی رجائی، قم، نشر مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

شیر، سید عبدالله. (۱۴۲۴). *حق الیقین فی معرفه اصول الدین*، چاپ دوم، قم، انوار الهدی.

صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*، قم، انتشارات بیدار.

----- (۱۳۸۱). *کسر الاصنام الجاهلیه*، تهران.

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۱ ق). *اعتقادات ابن بابویه*، ترجمه محمد علی حسینی، قم

----- (۱۳۸۵). *علل الشرایع*، قم.

طبرسی، حسین نوری. (بی تا). *مستدرک الوسائل*، موسسه اسماعیلیان، چ جدید، قم.

طباطبایی، محمد حسین. (بی تا). *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم همدانی، چاپخانه دفتر انتشارات

اسلامی

----- (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی،

قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.

----- (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلامی، قم.

----- (۱۴۱۲). *المیزان فی التفسیر القرآن*، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم.

طوسی، محمد بن حسن خواجه نصیر الدین. (۱۳۸۳ ق). *تلخیص الشافی*، تعلیقه و تحقیق سید حسن

بحر العلوم، نجف اشرف، مطبعه الاداب، چاپ دوم.

----- (۱۴۰۹). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.



- (۱۴۱۶). قواعد العقاید، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- (۱۴۰۵). رساله الامامه، طوس.
- (۱۴۰۷). تجرید الاعتقاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- (بی). مجمع البیان لعلوم القرآن، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران.
- (۱۳۸۵). ترجمه تفسیر جوامع الجامع، آستان قدس رضوی، مشهد.
- طبرسی، میرزا حسن نوری. (بی‌تا). مستدرک الوسائل، موسسه اسماعیلیان، چ جدید، قم.
- عبد علی بن جمعه. (بی‌تا). تفسیر نور الثقلین، مطبعه العلمیه، قم.
- علامه هندی. (۱۴۰۵). کنز العمال، موسسه الرساله، چاپ پنجم، بیروت.
- علم الهدی. (۱۴۲۲). مسائل المرتضی، تحقیق و فغان خضیر محسن الکعبی، بیروت، موسسه البلغ، چاپ اول.
- (۱۴۰۹). تنزیه الانبیاء، بیروت، دارالاضواء.
- کتاب مقدس عهدعتیق و عهدجدید. (۱۳۸۰). ترجمه فاضل خان همدانی و ویلیام گنوهنری مرتن، انتشارات اساطیر، تهران.
- قاموس کتاب مقدس. (۱۳۹۴). ترجمه و تألیف مستر هاکس، انتشارات اساطیر، تهران.
- قمی، محدث. (بی‌تا). سفینه البحار، کتابخانه سنائی، تهران.
- لسان الملک سپهر، محمد تقی. (بی‌تا). ناسخ التواریخ، انتشارات اساطیر، تهران.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ ق). النکت الاعتقادیه، بیروت، دارالمفید، الطبعة الثانيه.
- (۱۴۳۳ ق). اوائل المقالات، تبریز.
- (۱۴۱۳ الف). اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- (۱۴۱۳ ب). النکت الاعتقادیه، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- (۱۴۱۳ د). تصحیح الاعتقادات الامامیه، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴). بحار انوار، بیروت، موسسه الوفا.
- مظفر، محمد حسن. (۱۴۲۲). دلائل الصدیق، چ اول، قم، موسسه آل البيت.
- هنری تیس. (بی‌تا). الهیات مسیحی، ترجمه میکائیلیان، بی‌جا، انتشارات حیات ابدی.
- هانس کونک. (۱۳۸۴). تاریخ کلیسای مسیحی، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و

تحقیقات ادیان و مذاهب.

اکبری و منصورى. (۱۳۹۸). دیدگاه ملاصدرا در باره‌ی عصمت انبیاء از گناه، فصلنامه اندیشه دینی.

فقیه و دیگران. (۱۳۹۸). بررسی دلالت آیات مربوط به شاهدان امت‌ها بر عصمت همه جانبه انبیاء، ۱۳۹۸، معرفت کلامی.

(رحیم اف). (۱۳۸۹). بررسی مسئله عصمت انبیا از دیدگاه شیخ طوسی و فخرالدین رازی، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۳۲، ۴۹-۷۴، ۹.

اترک. (بی تا). بررسی دلالت آیه لا ینال بر عصمت انبیا، نشریه تاملات فلسفی.

اشرفی و رضایی. (۱۳۹۲). عصمت انبیاء در قرآن و عهدین.

غروی و اسلامی. (۱۳۹۸). عصمت انبیا و مراتب آن از نظرگاه تفسیری آیت‌الله معرفت، قبسات.

ملاح. (۱۳۸۵). نقد و شبهات پیرامون عصمت پیامبر اکرم ص در قرآن، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی.

سلطانی و کاظم موسوی. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی دیدگاه سلفیه در باره عصمت انبیاء با تکیه بر آیات قرآن، نشریه سلفی پژوهی.

ملکان؛ بداشتی، علیزاده. (۱۳۹۷). «بررسی عصمت انبیا از منظر ابن تیمیه نتایج و آثار آن، سلفی پژوهی».

زمانی، سازندگی. (۱۳۹۵). بررسی عصمت حضرت نوح (ع) در دایرالمعارف قرآن لیدن، نشریه قرآن پژوهی. خاورشناسان.

مرتضی صانعی. (۱۳۸۶). آموزه معصومیت در کلیسای کاتولیک، مجله معرفت، شماره ۱۱۳.

## References [In Persian]

### Quran

Amadi, Abdulwahid bin Mohammad Tamimi. (1990). *Gharral al-Hukm and Darr al-Hukm, Dar al-Kitab al-Islami*, second edition. [In Arabic]

Ayji, Abdulrahman. (N.D.). *Al-Massih, Beirut*, Alam al-Katb. [In Arabic]

Ahmad bin Faris bin Zakaria. (N.D.). *Al-Maqays al-Lagheh Dictionary*, Darlaktab Al-Elamiya, Qom. [In Persian]

Abraham, Kohan. (2003). *A Treasure of Talmud*, translated by Fereydoun Gorgani, Asatir Publishing House, Tehran. [In Persian]

Abd Ali bin Juma. (N.D.). *Tafsir Noor al-Saqlain, Al-Alamiya Press*, Qom. [In Persian]

Allameh Handi. (1985). *Kanzal-Amal, Al-Rasalah Institute*, 5th edition,

Beirut. [In Arabic]

- Akbari and Mansouri. (2018). Mulla Sadra's point of view about the infallibility of prophets from sin, *Religious Thought Quarterly*. [In Persian]
- Ashrafi and Rezaei. (2013). *The infallibility of the prophets in the Qur'an and the Testaments*. [In Persian]
- Bahrani, Ibn Maytham. (1985). *The rules of al-Maram in the science of al-kalam*, Qom. [In Persian]
- Bible dictionary. (2014). *Translated and authored by Mr. Hawks*, Asatir Publications, Tehran. [In Persian]
- Elm al-Hoda. (2001). *Al-Mortaza's problems, the research of Fagvan Khadir Mohsen Al-Kaabi*, Beirut, Al-Balgh Institute, first edition. [In Arabic]
- (1989). *Tanzia Al-Anbia*, Beirut, Dar Lazawa. [In Arabic]
- Estrabadi, Mohammad Jaafar. (2003). *Al-Braheen al-Qata'ah in the description of abstraction of al-Aqeed al-Sati'ah, research of the Center for Islamic Studies and Research*, Qom, School of Islamic Studies. [In Persian]
- Etrak. (N.D). Investigating the meaning of the Ayah La Yinal on the infallibility of the prophets, *Philosophical Reflections Journal*. [In Persian]
- Faqih and others. (2018). Examining the implications of the verses related to the witnesses of the nations on the all-round infallibility of the prophets, 2018, *Theological Knowledge*. [In Persian]
- Ghorovi and Eslami. (2018). The infallibility of the prophets and its degrees from the interpretative point of view of Ayatollah Marafet, *Qobsat*. [In Persian]
- Henry Thies. (N.D.). *Christian Theology, translated by Michaelian*, Beyba, Hayat Abadi Publications. [In Persian]
- Hans Konek. (2004). *History of the Christian Church*, translated by Hassan Ghanbari, Qom, Center for Studies and Research of Religions and Denominations. [In Persian]
- Harrani, Ibn Shuba. (N.D.). *Tohf al-Aqool*, Ilmia Al-Islamiya Publishing House, Tehran. [In Persian]
- Hali, Hassan bin Yusuf. (1992). *Kashf al-Fawad in the description of the rules of al-Aqeed*, Beirut. [In Arabic]
- (1996). *Discovering al-Murad in the description of abstraction of belief*, research and suspension by Hassanzadeh Amoli, Qom, Islamic Publications Institute. [In Persian]
- (2003). *Saadiyah's treatise*, translated by Sultan Hossein Estrabadi, edited and researched by Ali Ohi, Tehran, Association of Cultural Heritage and Artifacts. [In Persian]
- (1994). *Manahaj al-Yaqin fi Usul al-Din*, by the efforts of Mohammad Reza Ansari, Qom. [In Persian]
- (1989). *Al-Bab Al-Haadi Ashar*, research by Mehdi

- Mohaghegh, Mashhad, Astan Quds Razavi. [In Persian]  
 ----- (1984). *Anwar al-Mulkut fi Sharh Iliqut*, second edition, researched by Mohammad Najmi Zanjani, Qom. [In Persian]
- Ibn Maimon, Musa. (1993). *Dalalah Al-Haerin*, translated by Dr. Hossein Atai, Egypt, Cairo, published by Maktaba Al-Thaqaf al-Diniyeh. [In Arabic]
- Kharazi, Seyyed Mohsen. (1996). *Al-Ma'arif al-Ilahiyya in the description of al-Imamiyah beliefs*, 4th chapter, Qom, Al-Nashr al-Islami Institute. [In Persian]
- Khalil bin Ahmed Al Farahidi. (1984) *Al-Ain, Dar Al-Hijrah Institute*. [In Persian]
- Lasan al-Mulk Sepehr, Mohammad Taghi. (N.D.). *Naskh al-Tawarikh*, Asatir Publishing House, Tehran. [In Persian]
- Mofid, Mohammad bin Numan. (1993). *Al-Naqt al-Itaqadiyyah*, Beirut, Dar al-Mufid, second edition. [In Arabic]
- (2011). *Avael Maqalat*, Tabriz. [In Persian]
- (1992). *The beginning of the essays in Al-Mahabh and Al-Mukhtarat*, Qom, Al-Tomr al-Alami by Alfyyah Al-Sheikh Al-Mufid. [In Persian]
- (1992). *Al-Naqt al-Itaqadiyyah*, Qom, Al-Tomar al-Alami, Lalfyyah al-Sheikh al-Mufid. [In Persian]
- (1992). *Tashih al-Attiqadat al-Amamiyyah*, Qom, Al-Tamar al-Alami, Lalfyyah al-Sheikh al-Mufid. [In Persian]
- Majlisi, Mohammad Bagher. (1983). *Biharlanwar*, Beirut, Al-Vafa Institute. [In Arabic]
- Muzaffar, Mohammad Hassan. (2001). *Reasons of al-Saddeq*, Ed 1, Qom, Al-Al-Bait Institute. [In Persian]
- Mallah (2006). *Criticisms and Doubts about the Infallibility of the Holy Prophet PBUH in the Qur'an*, *Research Journal of Islamic Wisdom and Philosophy*. [In Persian]
- Malikan; Bedashti, Alizadeh. (2017). "Investigating the infallibility of the prophets from the point of view of Ibn Taymiyyah, its results and effects, *Salafi research*. [In Persian]
- Morteza Sanei. (2007). *The Doctrine of Innocence in the Catholic Church*, 1386, Ma'refat Magazine, No. 113. [In Persian]
- Muzaffar, Mohammad Hassan. (2001). *Reasons of al-Saddeq*, Ch 1, Qom, Al-Al-Bait Institute. [In Persian]
- Old Testament and New Testament. (1999). *Translated by Fazel Khan Hamdani, William Gleno Henry Merton*, Asatir Publishing House, Tehran. [In Persian]
- Qomi, Muhaddith. (N.D.). *Safina Al-Bahar, Sanai Library*, Tehran. [In Persian]
- Rahim F. (2010). Examining the problem of infallibility of the prophets from the point of view of Sheikh Tusi and Fakhreddin Razi", *Research*

- Journal of Islamic Wisdom and Philosophy*, 32, 49-74, 9. [In Persian]
- Soltani and Kazem Mousavi. (2018). A comparative study of Salafism's point of view about the infallibility of prophets based on the verses of the Qur'an, *Salafi Research Journal*. [In Persian]
- Seyed Morteza, Ali bin Hossein. (1989). *Tanzieh al-Anbiya*, Beirut. [In Arabic]
- Sabzevari, Molahadi. (2004). *Isra al-Hakm*, Qom, religious press, first edition. [In Persian]
- Sobhani, Jafar. (1991). *Theology of Ali Hoda Al-Kitab and Sunnah and Al-Aql*, vol. 3, written by Hassan Muhammad Makki Ameli, Qom, Al-Alami Center for Islamic Studies. [In Persian]
- Sivari, Miqdad. (2017). *Al-Wa'am al-Ilahiyyah fi al-Mabahari al-Kalamia*, Tabriz. [In Persian]
- Sivari Hali, Jamal al-Din Moqdad bin Abdullah al-Asadi. (1984). *Irshad al-Talbin to Nahj al-Mustarashdin*, research by Sidi Mahdi Rajaei, Qom, published by Ayatollah al-Marashi al-Najafi school. [In Persian]
- Shabar, Seyyed Abdullah. (2003). *Haq al-Iqin fi Ma'arfa Usul al-Din*, second edition, Qom, Anwar al-Hadi. [In Persian]
- Sadr al-Mota'alehin, Muhammad bin Ibrahim. (1987). *Tafsir al-Qur'an al-Karim*, Qom, Bidar Publications. [In Persian]
- (2002). *Kasr al-Isnam al-Jahiliyyah*, Tehran. [In Persian]
- Sadouq, Muhammad bin Ali. (1992) *AD, Beliefs of Ibn Babouyeh*, translated by Muhammad Ali Hosseini, Qom. [In Persian]
- (2005). *Causes of Sharia*, Qom. [In Persian]
- Tofighi, Hossein. (1998). *Revelation in Christianity and Islam*, Tehran, Farhang Islamic Publishing House. [In Persian]
- Tony Lane. (2010). *History of Christian Thought*, translated by Robert Assarian, Ilam Publications. [In Persian]
- Thomas Michel. (1998). *The Christian Word*, translated by Hossein Tawfighi, Qom, Center for Studies and Research of Religions and Denominations. [In Persian]
- Tabarsi, Hossein Nouri. (N.D.). *Mustardek Al-Wasail, Ismailian Institute, Che Jadib*, Qom. [In Persian]
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (N.D.). *Translated by Hamdani, translated by Tafsir al-Mizan*, the printing house of the Islamic Publishing House. [In Persian]
- (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, translated by Seyyed Mohammad Bagharmousi Hamedani, Qom, Islamic Publications Office, fifth chapter. [In Persian]
- (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Islamic Publications, Qom. [In Persian]
- (1991). *Al-Mizan fi al-Tafsir al-Qur'an*, Qom, Ismailian Institute, fifth edition. [In Persian]
- Tusi, Mohammad bin Hasan Khwaja Nasiruddin. (2003). *Talkhis al-Shafi*,

- Sayyed Hasan Bahr al-Uloom's research*, Najaf Ashraf, Al-Adab Press, second edition. [In Arabic]
- (1988). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut, Dar al-Marafa. [In Arabic]
- (1995). *Seminary Management Center*, Qom. [In Persian]
- (1984). *Risalah al-Imamah*, Tus. [In Persian]
- (1986). *Abstract of Belief*, Qom, Islamic Propaganda Office. [In Persian]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). *Majma al-Bayan Uloom al-Qur'an*, Tehran, Nasser Khosrow. [In Persian]
- (N.D.). *Majma al-Bayan Uloom al-Qur'an*, collective translation by translators, Tehran. [In Persian]
- (2005). *Translated by Tafsir Jameem Al Jame*, Astan Quds Razavi, Mashhad. [In Persian]
- Tabarsi, Mirza Hasan Nouri. (N.D.). *Mustardek Al-Wasail*, Ismailian Institute, Che Jadib, Qom. [In Persian]
- Zamani, Sazandegi. (2015). Examining the infallibility of Prophet Noah in Leiden Qur'an Encyclopaedia, *Qur'an Research Publication*. Orientalists. [In Persian]
- Zanjani, Musa. (1984). *Madinah al-Balagheh, Al-Kaaba Charters*, Tehran. [In Persian]

**استناد به این مقاله:** حسن زاده، صالح، کربلایی بازوکی، علی، تیموری شبان، مرضیه. (۱۴۰۲). بررسی مقایسه‌ای

عصمت انبیاء در قرآن و عهدین از دیدگاه کلامی شیعه. پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، ۴ (۷)، ۲۴۸-۲۱۹. DOI:

10.22054/jcst.2024.77897.1150



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Kalam is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.